

نظام حقوق بین الملل اقتصادی

و

سازمان جهانی تجارت

(مجموعه مقالات)

ترجمه و تحقیق

هاله حسینی اکبرنژاد حوریه حسینی اکبرنژاد

با دیباچه

دکتر سیدقاسم زمانی

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی



موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی

تهران - ۱۳۹۳

سرشناسه	حسینی اکبرنژاد، هاله، ۱۳۶۰.
عنوان و پدیدآور	نظام حقوق بین الملل اقتصادی و سازمان جهانی تجارت/ هاله حسینی اکبرنژاد، حوریه حسینی اکبرنژاد.
مشخصات نشر: تهران	مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری	۲۹۶ ص.
شابک	۹۷۸ ۶۰۰ ۷۰۷۷ ۲۹۰۰
وضعیت فهرست نویسی	فیفا.
یادداشت	کتابنامه.
موضوع	اقتصاد بین الملل یکپارچه سازی.
موضوع	صادرات و واردات.
موضوع	شرکت های چند ملیتی -- قوانین و مقررات.
شماره افزوده	حسینی اکبر نژاد، حوریه.
شماره افزوده	مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش
رده بندی کنگره	۱۳۹۲: ۶۰۵/ج۳۸۲۰
رده بندی دیویی	۳۴۱/۷۵

عنوان	نظام حقوق بین الملل اقتصادی و سازمان جهانی تجارت
مؤلفان	هاله حسینی اکبرنژاد، حوریه حسینی اکبرنژاد
ناشر	مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش
نوبت چاپ	اول
تاریخ چاپ	۱۳۹۳
شمارگان	۵۰۰ نسخه
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۰۷۷-۱۵-۳
بهاء	۲۰.۰۰۰ تومان

حق هرگونه چاپ و انتشار محفوظ است.

تهران - خیابان کریم خان زند - خیابان سنایی - خیابان نهم - کوچه گیلان - پلاک ۵ - کدپستی

۸۸۸۱۱۵۸۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۴۵۳۹ تلفن: ۸۸۸۱۱۵۸۱-۴ نمابر: ۸۸۸۱۱۵۸۰

Email: publication@sdil.ac.ir

Website: www.sdil.ac.ir

سخن ناشر

توسعه ادبیات حقوقی در هر کشور، نقش مهمی در پیشرفت نظام حقوقی آن کشور ایفا می‌نماید. اندیشمندان و پژوهشگران دنیای بیکران، حقوق، که شیفته نظم‌اند و سرباز عدالت، آموزه‌های علمی و تجربیات عملی خویش را به جامعه حقوقی عرضه می‌دارند تا بتوانند در تثبیت و تنویر نظم اجتماعی و استقرار عدالت و اصلاح و پیشرفت کشور سهیم گردند.

قانونگذار فهیم و آگاه، هیچگاه در مقام تهیه پیش‌نویس و مهیا شدن جهت وضع قانون، خود را بی‌نیاز از ادبیات و دکترین حقوقی کشور و مشورت با خبرگان نخواهد یافت، و هیچگاه مصوبات قبلی خویش را دائمی و مصون از نقد و اصلاح قلمداد نخواهد نمود. قضات متخصص و عدالت‌پیشه نیز نقد علمی و منصفانه آرای خود را مایه تکامل و پیشرفت می‌دانند.

دانشکده‌های حقوق و حوزه‌های علمیه که به مأموریت خطیر تربیت قضات، وکلا، مشاوران حقوقی، سردفتران، پژوهشگران، و اساتید حقوق و فقه همت می‌گمارند علاوه بر اینکه از آموزه‌های علمی و قضایی کشور بسیار بهره می‌برند متقابلاً رسالت مهمی در غنی‌سازی ادبیات و دکترین حقوقی کشور برعهده دارند.

جمهوری اسلامی ایران به ویژه در دو دهه اخیر پیشرفت قابل توجهی در توسعه کمی ادبیات حقوقی کشور را شاهد بوده است. تعداد کتب و نشریات حقوقی منتشره در کشور طی بیست سال اخیر، به نسبت گذشته به مراتب افزایش یافته است. این دستاورد را باید به فال نیک گرفت و امیدوار بود که این پیشرفت کمی به همین میزان با توسعه‌ای کیفی در بارور شدن دکترین حقوقی مورد نیاز کشور همراه باشد و با احترام به حقوق مالکیت فکری دیگران انتشار یابد.

انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش که همواره سعی داشته است علاوه بر انتشار آثار حاصل از تحقیقات پژوهشگرده حقوق، به صورتی هدفمند و با ارزیابی علمی به گزینش و چاپ و انتشار کتابهای حقوقی در حوزه‌ها و موضوعات مورد نیاز جامعه حقوقی کشور مبادرت ورزد، زحمات خانم‌ها هاله حسینی اکبر نژاد و حوریه حسینی اکبر نژاد در ترجمه کتاب «نظام حقوق بین‌الملل اقتصادی و سازمان جهانی تجارت» را ارج نهاده، امیدوار است این کتاب مورد استقبال جامعه حقوقی کشور و مورد استفاده متولیان امر قرار گیرد.

وحید اشتیاق

فهرست مطالب

فصل اول: حقوق بین الملل اقتصادی چیست؟..... ۳۳	استیو چارنوویتز
فصل دوم: حمایت متقابل به عنوان یک اصل تفسیر و قانون ساز: نقطه عطفی برای موضوع «سازمان جهانی تجارت و نظام های معارض» ۶۷	ریکاردو پاوی
فصل سوم: حقوق بین الملل سرمایه گذاری بر دو راهی الزام آور بودن و انعطاف پذیری: تحلیل از منظر تئوری قرارداد..... ۱۲۳	آن ون آکن
فصل چهارم: راهکارهای اصل احتیاط در حقوق سازمان جهانی تجارت ۱۷۷	ایلنا چین
فصل پنجم: قدرت اعراض سازمان جهانی تجارت: اقبال سازمان تجانی تجارت برای بحث های سیاسی در مورد برقراری سازش میان منافع معارض ۲۱۳	لیزابیل فیچنر
فصل ششم: آینده سازمان جهانی تجارت: لزوم اصلاحات ساختاری ۲۷۳	دبرا پ. استجر
فصل هفتم: تعارض حق توسعه و حق اختراع در چارچوب سازمان جهانی تجارت ۳۲۳	هاله حسینی اکبرنژاد
فصل هشتم: محدودیت های حق بر محیط زیست سالم بر تجارت بین الملل ۳۵۷	حوریه حسینی اکبرنژاد

دیباچه

دیر زمانی است که «جهانی شدن» به نقطه ثقل موضوعات مختلف بین‌المللی تبدیل شده است. خواه جهانی شدن را «پروسه‌ای» طبیعی و اجتناب‌ناپذیر بدانیم که بعد از بروز انقلاب صنعتی، تشکیل و توسعه سریع سازمان‌های بین‌المللی، ظهور فن‌آوریهای نوین اطلاعات و ارتباطات (ماهواره - اینترنت) و اعتلای جایگاه افراد انسانی در جامعه بین‌المللی (توسعه حقوق بشر) و به تبع آن فرسایش حاکمیت و پایان عصر وستفالیایی حقوق بین‌الملل جهشی شکوهمند را تجربه کرده است، و خواه جهانی شدن را «پروژه‌ای» ساخته و پرداخته بلوک غرب و به ویژه ایالات متحد آمریکا قلمداد کنیم که هدف آن وابسته نگه داشتن ملت‌های دیگر به صنعت، اقتصاد و فرهنگ غرب می‌باشد، این امر مسلم می‌نماید که جهانی شدن اقتصاد، بیش از هر موضوع دیگر برآیند و شاخص عصر جهانی شدن تلقی می‌گردد. «وابستگی متقابل» که بیش از پیش روابط بین‌المللی را تحت تأثیر خود قرار داده، در رقابت همه دولت‌ها جهت عضویت در سازمان جهانی تجارت، توسعه همکاری‌های اقتصادی جهانی و منطقه‌ای، فراگیر شدن سریع بحران‌های اقتصادی، و نمایان گشتن قدرت مؤثر و در عین حال مخرب تحریم‌های اقتصادی نمایان گشته است.

در سال ۱۹۴۷ که به رغم عدم توافق دولت‌های توسعه‌یافته و دولت‌های در حال توسعه در مورد ایجاد سازمان بین‌المللی تجارت، موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) به امضا رسید، چندان قابل پیش بینی نبود که گات از رهگذر رویه منسجم دولت‌های متعاقد خویش عملاً و به تدریج به نهادی بین‌المللی مبدل شده، زمینه تشکیل سازمان جهانی تجارت را فراهم خواهد ساخت. سازمان جهانی تجارت که حدود نیم قرن بعد در سال ۱۹۹۵ پای به عرصه‌ی وجود نهاد برخلاف سلف خویش، به حذف موانع تجارت کالاها بسنده نکرد و

قلمرو فعالیت خویش را به تجارت خدمات و نیز جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی نیز توسعه داد. با این حال تحول سازمانی نهاد نوظهور که به تمام تردیدها در مورد هویت حقوقی گات سابق خاتمه داد حائز اهمیت بسیاری می باشد. سازمان جهانی تجارت که در سال ۱۹۹۵ رسماً به عنوان یک سازمان بین‌المللی اعلام موجودیت نمود، به سرعت به نهادی جهانی در تنظیم و تنسيق و آزادسازی تجارت بین‌المللی تبدیل گردید.

سازمان جهانی تجارت که اینک ۱۵۹ عضو دارد و ۲۵ دولت ناظر در انتظار عضویت کامل در آن به سر می‌برند، سکن هدایت تجارت جهانی را در دست گرفته است. سازمان در راستای آزادسازی تجارت کالاها و خدمات، حمایت از جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی، و نیز تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، قوانین و رویه‌های داخلی کشورها را به سوی وحدت و یکپارچگی سوق داده است. در نظم حقوقی که سازمان جهانی تجارت بنیاد نهاده و توسعه داده است روابط میان تجارت و حقوق بشر، و نیز تجارت و حفاظت از محیط زیست مورد شناسایی و تأکید قرار گرفته است. هیأت‌های حل اختلاف سازمان جهانی تجارت رویه‌ای نسبتاً غنی در حوزه اختلافات تجاری میان اعضا به دست داده‌اند. رویه نهاد حل اختلاف در تفسیر مواد اساسنامه و موافقتنامه‌های سازمان و شفاف‌سازی، و نیز تکوین و تثبیت عرف‌های تجاری در این حوزه نیز بسیار مؤثر بوده است.

حقیقتاً سازمان جهانی تجارت از یک سوی برآیند جهانی شدن تجارت، و از دیگر سوی نهادی بی‌بدیل در جهانی‌سازی تجارت و اقتصاد به شمار می‌رود. در عصر جهانی شدن، روابط اقتصادی بین‌المللی به سرعت در حال توسعه و تحول است. افزایش حیرت‌آور حجم و سرعت گردش کالاها و خدمات به ویژه با اتکاء به تجارت الکترونیک، اهمیت فزاینده حقوق مالکیت معنوی، گسترش سرمایه‌گذاری خارجی و... جملگی از افزایش وابستگی متقابل دولت‌ها و ملت‌ها به یکدیگر حکایت دارند. هجوم نسبتاً سریع تمام دولت‌ها برای عضویت در سازمان جهانی تجارت، که در مورد هیچ سازمان بین‌المللی به این صورت

مشاهده نشده، خود حکایت از نقش برجسته‌ای است که اقتصاد و تجارت بین‌المللی در حیات امروز بازی می‌کنند. توسعه حقوق بین‌الملل اقتصادی برآیند چنین تحولاتی است که در حوزه‌های مختلف روابط تجاری و اقتصادی پدید آمده است.

کتاب «نظام حقوق بین‌الملل اقتصادی و سازمان جهانی تجارت» مجموعه مقالاتی است که به قلم سرکار خانم‌ها هاله حسینی اکبرنژاد و حوریه حسینی اکبرنژاد دانشجویان ساعی دوره دکترای حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی مورد ترجمه و تألیف قرار گرفته است. در این کتاب ارزشمند روابط میان تجارت و اقتصاد بین‌الملل، و به تعبیری دیگر تقابل میان آزادی تجارت و حاکمیت دولتها از زوایای مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. ابتکار دانشجویان عزیزم در انتخاب و انتظام موضوعی مقالات ستودنی است. البته سرکار خانم‌ها حسینی اکبرنژاد قبلاً با ترجمه و تحقیق کتاب «حقوق بشر و سازمان جهانی تجارت»، تألیف هولگر هسترمیر که در سال ۱۳۹۰ توسط مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش به زور چاپ آراسته شد، شوق و علاقه خویش به مطالعه در حوزه حقوق بین‌الملل تجاری را به اثبات رسانده‌اند. ضمن تبریک به سرکار خانم‌ها هاله و حوریه حسینی اکبرنژاد، برای آنها توفیق بیشتر در توسعه ادبیات حقوق بین‌الملل در ایران، و برای جامعه حقوقی ایران بهره‌وری شایسته از دستاوردهای علمی فرزندان این مرز و بوم را آرزو دارم.

سیدقاسم زمانی

اسفند ماه ۱۳۹۲

مقدمه مترجمان

حقوق بین‌الملل اقتصادی به عنوان یکی از شاخه های حقوق بین‌الملل خصوصاً در چند دهه اخیر محور توجه بسیاری از اندیشمندان قرار گرفته و توانسته بخش قابل توجهی از مباحث آکادمیک و علمی را به خود اختصاص دهد. با توجه به جدید بودن مباحث مطرح شده در حقوق بین‌الملل اقتصادی و تا اندازه ای نوپا بودن این شاخه علمی به عنوان یک رشته مستقل دانشگاهی در کشورمان این ضرورت بیش از پیش احساس می شود که با ترجمه برخی از منابع معتبر علمی در ارتباط با حقوق بین‌الملل اقتصادی و مباحث مرتبط با آن بتوان گام هایی موثر در راستای افزایش غنای این رشته دانشگاهی برداشته شود.

در بررسی و تحلیل علمی حقوق بین‌الملل اقتصادی و موضوعات مرتبط با آن بی تردید، نخستین گام می بایست تمرکز بر معنای واژگان «حقوق بین‌الملل اقتصادی» باشد. در رابطه با هر یک از سه کلمه مزبور می توان توضیحات جداگانه ای ارائه نمود. کلمه «حقوق» در حقوق بین‌الملل اقتصادی، شامل معاهده، حقوق عرفی و حقوق نرم می گردد. برخلاف دیگر زمینه های حقوق بین‌الملل عمومی، حقوق بین‌الملل اقتصادی بیش از اینکه عرفی باشد مبتنی بر حقوق نوشته است. عبارت «بین‌المللی»، ناظر بر این است که حقوق بین‌الملل اقتصادی، حقوقی است در مورد موضوعاتی که مرزها را در می نوردند. عبور از مرزها می تواند از نظر مکانی گذر از مرز سرزمینی تا در برگرفتن کل کره زمین را شامل شود. هنگامی که عبور از مرز محقق گردد، موضوع مرتبط دیگر در صلاحیت انحصاریک دولت قرار ندارد. هر چه موضوعات فرامرزی بیشتر مطرح گردند، حوزه حقوق بین‌الملل گسترش می یابد. «اقتصادی» در عبارت حقوق بین‌الملل اقتصادی، به خوداقتصاد اشاره دارد (و شاید به تجزیه و تحلیل اقتصادی). تولید در اقتصاد، تابعی از این است که چهار فاکتور تولید که عبارتند از زمین، نیروی کار، سرمایه و مدیریت، چگونه با کارایی به کار گرفته می شوند.

اقتصاد هنگامی بین المللی می شود که آثار خارجی بر اقتصاد داخلی را مورد توجه قرار می دهد.

با کاربرد تعاریف مذکور از «بین المللی»، «اقتصادی» و «حقوق»، حوزه حقوق بین الملل اقتصادی می تواند ترسیم گردد، که شامل نورمهای قانونی مقرر در حقوق سازمان جهانی تجارت نظیر حقوق سرمایه گذار بیگانه، ضد تقلب در تولید، مساعدتها/ یارانه ها، کالاهای ضروری و مواد خام، رقابت/ ضد تراست، حفظ منابع طبیعی، کیپی رایت، گردش پول و مبادله، عوارض گمرکی و تبلیغات، توسعه و کمک به توسعه، مالیات مضاعف، تدارک دولت، تحریم های اقتصادی چند جانبه، اختراعات، اقدامات مبتنی بر بهداشت، خدمات نظارت، اقدامات دولت، استانداردهای فنی، ارتباطات، مهاجرت معاصر، علائم تجاری، شفافیت و نقل و انتقال می شود. همچنین حقوق بین الملل اقتصادی شامل نورم های حقوقی بین المللی ای نیز می شود که بخشی از سازمان جهانی تجارت نیز نمی باشند مانند قواعدی که بر موارد ذیل نظارت می کنند: نظام بانکی، اشغال متخاصمانه، هواپیمائی درون مرزی، فساد، مهاجرت، امنیت انرژی، مصادره، ماهیگیری، جنگل بانی، اینترنت، کشتی رانی و دریانوردی، جمعیت، رودخانه ها، قاچاق جنسی، وام فوق العاده، فضا، آمار، ورشکستگی فرامرزی، اعتبارات و اقدامات و تجارت حیات وحش. به عبارت دیگر، فصل مشترک «بین المللی»، «اقتصادی» و «حقوق» یک شاخه وسیع از حقوق را به بار آورده است.

مرور کلی بر حقوق بین الملل اقتصادی در یک مقاله کوتاه نمی گنجد، اما می توان مروری بر تشکیل نظام تجارت جهانی از اواخر دهه ۱۹۴۰ داشت. حقوق بین الملل اقتصادی در از میان برداشتن تمایزات حقوق بین الملل عمومی و خصوصی و نیز با تغییر مفروضات حقوق بین الملل عمومی در رابطه با قلمروی محفوظ برای دولت، پیشرو محسوب می شود. در برخی موارد، تقسیم بندی ها منجر به انعطاف ناپذیری هائی می شود. چند دهه قبل، برخی حقوق دانان حقوق تجارت بین الملل را به عنوان یک شاخه مستقل و مجزا از حقوق بین الملل

عمومی در نظر گرفتند. اما امروز هیچکس جرأت بیان این مطلب را ندارد، چرا که نمونه‌های زیادی در رویه سازمان جهانی تجارت وجود دارد در مورد اینکه چگونه حقوق بین‌الملل عام و خاص بر حقوق بین‌الملل اقتصادی به طور عام و بر حقوق سازمان جهانی تجارت به طور خاص، تأثیر گذاشته است. در مقابل، حقوق بین‌الملل اقتصادی نیز بر حقوق بین‌الملل عمومی تأثیر داشته است، اگر چه کمتر مطرح شده اما به همان میزان مهم است.

معضل هماهنگی میان زمینه‌های اقتصادی و دیگر زمینه‌ها توجه زیادی را به خود جلب کرده، اما راهکار مؤثری ارائه نشده است. به طور نمونه یکی از موضوعاتی که در چند دهه اخیر توجه بسیاری از اندیشمندان را به خود جلب کرده، این است که چگونه قواعد حقوق بین‌الملل تجارت به طور مؤثر بر قواعد حقوق بین‌الملل محیط زیست، حقوق بین‌الملل کار، و دیگر زمینه‌های موازی با حقوق بین‌الملل اقتصادی تأثیر می‌گذارد. به عنوان یک نمونه مطلوب، در اوایل دهه ۱۹۹۰ مشاهده شد که چگونه گات بر نفوذ بر قواعد زیست محیطی پافشاری نمود. اما اتفاق ناخوشایند این بود که فعالان زیست محیطی برخورد مستدلی ننمودند، و نسبت به تأثیر قواعد خود نوعی حس تعصب داشتند. اگر چه در مواردی نیز اصرار نمودند که پیشرفت تدریجی از حقوق بین‌الملل اقتصادی به دست آمده است. اگر برای دستیابی به یک اتحاد مفهومی در حقوق بین‌الملل اقتصادی راهی وجود داشته باشد، حتی به صورت موسع، به نظر می‌رسد از قرار دادن بازیگران اجتماعی و اقتصادی فردی در مرکز این تحلیل به دست می‌آید که چگونه آزادی بازار در صورت احترام به کرامت انسانی حداکثر می‌شود. در این میان، ناگزیر باید دایره توجه را از تمرکز صرف بر حقوق بین‌الملل اقتصادی و الزامات ناشی از آن توسعه داده و بر لزوم حمایت متقابل نظام‌های حقوقی مختلف از جمله حمایت متقابل حقوق بین‌الملل اقتصادی و حقوق بین‌الملل بشر و نیز حمایت متقابل حقوق بین‌الملل اقتصادی و حقوق بین‌الملل محیط زیست سخن به میان آوریم.

«حمایت متقابل» میان نظام‌های معارض به عنوان یک ابزار مفهومی کلیدی مطرح می‌باشد، که دارای آثار برجسته‌ای در تفسیر و ایجاد نرم‌های حقوق بین‌الملل است. حمایت متقابل یک ابزار نوین در موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، اعلامیه‌های سیاسی و رویه قضایی و داوری شده است. در زمینه حقوق بین‌الملل محیط زیست و حقوق بین‌الملل اقتصادی، اصل حمایت متقابل این قابلیت را دارد که به کار آید و در تمام زمینه‌ها و وضعیت‌ها که دربرگیرندهٔ تکثیر چارچوب‌های قانونی معارض می‌باشد که به لحاظ اجرایی برابری می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. تأکید مستمر و مکرر بر این اصل در اسناد و قالب‌های چندجانبه به آثار نورماتیو آن می‌افزاید. به علاوه بررسی و تحلیل جایگاه حمایت متقابل به عنوان یک اصل کلی حقوق بین‌الملل از منظر اندیشمندان و حقوقدانان سبب طرح ایده‌های مترقیانه‌ای شده است، از جمله می‌توان به این ایده اشاره کرد که یک اصل کلی حقوق بین‌الملل بر روابط میان حقوق تجاری و اقتصادی و دیگر قواعدی که از ارزش‌های جامعه بین‌المللی از جمله حقوق بشر و محیط زیست حمایت می‌کند، حکومت می‌کند، بنابراین سخن به میان آوردن از «اصل حمایت متقابل» به عنوان یک اصل کلی چندان غیرمنطقی بنظر نمی‌رسد. در این میان توجه به شرایط پیدایش اصل حمایت متقابل و دو جنبهٔ قانونی این اصل که عبارتند از جنبه تفسیری حمایت متقابل و جنبهٔ قانون سازی، حایز اهمیت می‌باشد.

حمایت متقابل فقط یک شیوهٔ فریبکارانه نیست که در مباحث سیاسی به طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد، بلکه آن دارای آثار و پیامدهای قانونی بسیار مهم نیز می‌باشند. رویه بین‌المللی نشان می‌دهد که حمایت متقابل، یک اصل می‌باشد که بر طبق آن قواعد حقوق بین‌الملل - که این اصل نیز جزئی از آن می‌باشد - باید به گونه‌ای تفهیم و اجرا شود که یکدیگر را تقویت می‌کنند با این دیدگاه که این قواعد باید هماهنگ با یکدیگر و دارای جنبهٔ تکمیل کنندگی باشند و این برخلاف تصور روابط معارض میان این قواعد است. در واقع، این امر مستلزم آن است که بررسی شود، ماهیت حمایت متقابل به عنوان

یک اصل یا تکنیک تفسیری چگونه است، به عنوان نمونه این اصل چگونه موضوعات مشابه را که مربوط به مفاهیم نزدیک به هم از جمله یکپارچه‌سازی سیستماتیک، تفسیر هماهنگ و فرض عدم وجود تعارض را مورد توجه قرار می‌دهد. باید توجه نمود که حمایت متقابل نباید به عنوان یک تکرار مجدد صرف از اصول مطلوب تفسیر قلمداد شود. در آن ارزش مضاعفی وجود دارد و آن جنبه قانون‌سازی می‌باشد که می‌تواند در مواقعی بکار آید که تمامی تلاش‌های به عمل آمده برای برقراری مصالحه میان قواعد معارض به نتیجه نیانجامده و بنابراین یکپارچگی حقوق بین‌الملل در معرض خطر قرار گرفته است. در پرتو تحولات بوجود آمده در حقوق بین‌الملل اقتصادی، این اصل می‌تواند بسیار زیاد به کار آید.

به رغم اینکه این اجرای موسع اصل حمایت متقابل به طور قطع، مستلزم انجام تحقیقات بیشتری می‌باشد، لیکن مقاله موجود در اثر حاضر، مروری بر رویه موجود خواهد داشت و سعی خواهد نمود که آموزه‌هایی را در ارتباط با آن ارائه نماید. این رویه، اساساً مبتنی بر ماهیت و نقش اصل حمایت متقابل در موافقت‌نامه‌های زیست محیطی چند جانبه نوین (MEAs) و روابط متقابل آن با حقوق بین‌الملل اقتصادی، خصوصاً سیستم قانونی سازمان جهانی تجارت می‌باشد. با این همه، ارتباط این اصل، تسری پیدا می‌کند به شیوه‌ها و ملاکی که توسط آن‌ها سیستم سازمان جهانی تجارت به طور گسترده تطبیق پیدا می‌کند با حقوق و ارزش‌های غیر تجاری که نخستین و مهم‌ترین آنها، حقوق بشر می‌باشد. خصوصاً رویه عملی در ارتباط با حمایت از حق سلامت و سیاست‌های متخذه توسط دولت‌های عضو سازمان جهانی تجارت در مورد سلامت عمومی مورد بحث می‌باشد. در نهایت، جنبه‌های کاربردی معضل مورد بحث ما، برخاسته از چالش موجود میان اسناد و اختلافات مربوط به حقوق و سیاست‌های فرهنگی و قواعد سازمان جهانی تجارت می‌باشد.

مبنای حمایت متقابل در تفسیر برمی‌گردد به برنامه عمل ۲۱، سند کلیدی برنامه ریزی که در کنفرانس ۱۹۹۲ ملل متحد در مورد محیط‌زیست و توسعه

به تصویب رسید. این سند مقرر می‌کند که «اقتصاد بین‌المللی باید یک فضای حمایتی بین‌المللی برای تحقق اهداف محیط زیست و توسعه از طریق ... ایجاد حمایت متقابل میان تجارت و محیط زیست فراهم نماید.» در واقع یک وابستگی بسیار نزدیک، همچنین یک درجه معینی از همپوشانی، میان اصل توسعه پایدار و اصل حمایت متقابل وجود دارد که در شمار زیادی از اختلافات نیز انعکاس یافته است.

هم حمایت متقابل و هم توسعه پایدار در مفهوم یکنواخت سازی از جمله یکنواخت سازی میان نظام‌های معارض و یکنواخت سازی تمام عوامل زیست محیطی، اجتماعی، فرهنگی، حقوق بشری و اقتصادی دخیل در وضعیت مورد نظر، ریشه دارد. اما با توجه به اینکه اصل حمایت متقابل از اصول تفسیری نشأت گرفته، این اصل می‌تواند به منظور یکپارچه سازی خیلی کارآمدتر از توسعه پایدار است. اصل حمایت متقابل در میان اصول حاکم بر تنظیم روابط میان تجارت، سرمایه‌گذاری و تعهدات زیست محیطی، در رأس اهمیت قرار دارد. حمایت متقابل مقرر می‌کند که «حمایت زیست محیطی و توسعه اقتصادی می‌تواند و باید به طور متقابل از یکدیگر حمایت به عمل آورد.»

جنبه قانون ساز بودن اصل حمایت متقابل در برگزیده تعهد جدید دولت‌ها به همکاری توأم با حسن نیت است به منظور تسهیل اجرای روندهای قانون سازی و نیز روش‌های اصلاح و تجدیدنظر، در ارتباط با موافقت‌نامه‌هایی که ممکن است تعارضات سیستماتیکی را با دیگر نظام‌هایی که از ارزش‌های اساسی جامعه بین‌المللی حمایت می‌کنند، داشته باشند. در زمان بررسی مفهوم حمایت متقابل، ناگزیر باید «گزارش چندپارگی» گروه مطالعاتی کمیسیون حقوق بین‌الملل را مدنظر قرار داد. در این گزارش خاطرنشان می‌شود که گنجاندن اصل حمایت متقابل در مقدمه موافقت‌نامه‌های چند جانبه زیست محیطی منجر به «ایجاد یک شیوه ترکیبی می‌شود که حل معضلات موجود را به آینده موکول می‌کند»، حمایت متقابل که مبتنی بر این پیش فرض است «که تعارضات ممکن است و باید میان طرفین معاهده با یک دیدگاه مبتنی بر

همکاری متقابل حل گردد.» برای سازمان جهانی تجارت، حیاتی است که تمایل خود به برقراری ارتباط با نظام‌های معارض حمایت‌کننده از ارزش‌های اساسی جامعه بین‌المللی را ابراز نماید. اسناد ۲۰۰۱ دوحه، در این زمینه بسیار مشوق بود، به دلیل اینکه هدر آن‌ها روابط حمایتی متقابل میان سیستم سازمان جهانی تجارت و زمینه‌های دیگر حقوق بین‌الملل از جمله حمایت از سلامت و محیط زیست مورد تأیید قرار گرفت.

حمایت متقابل نباید به عنوان یک شیوه سیاسی صرف که فاقد آثار نورماتیو است، در نظر گرفته شود. حمایت از این اصل توسط اسناد دوحه به عنوان یک عامل مهم، افزون بر این ایده که حمایت متقابل یک اصل کلیدی جهت تنظیم روابط میان سازمان جهانی تجارت و نظام‌های معارض می‌باشد، اصل حمایت متقابل را به عنوان یک اصل که خودش در سیستم سازمان جهانی تجارت به رسمیت شناخته شده است، مطرح می‌کند. آگاهی کامل از چنین آثار نورماتیوی در رویه و اسناد قانونی بعدی، توانمندی عملکرد اصل حمایت متقابل را به عنوان یک نقطه عطف برای مبحث «سازمان جهانی تجارت و نظام‌های معارض» را خاطر نشان می‌کند. تاکنون، واضح به نظر می‌رسد که اصل حمایت متقابل، حاکم‌آزار داشتن چنین قابلیت‌هایی می‌باشد.

اصل حمایت متقابل دارای جنبه تفسیری انکار ناپذیر می‌باشد که مستلزم برقراری سازش میان قواعدی است که بالقوه امکان بروز تعارض میان آن‌ها وجود دارد. همچنین این اصل دارای جنبه قانون سازی نیز می‌باشد که بر دولت‌ها تعهد به دنبال کردن توأم با حسن نیت مذاکرات را تحمیل می‌کند که نهایتاً منجر به انعقاد موافقت‌نامه‌هایی شود که قادر به یکپارچه سازی ملاحظات متفاوت در وضعیت حقوقی مورد نظر باشد.

یکی از معضلات مستمر سازمان جهانی تجارت، ضرورت برقراری یک موازنه متناسب میان قواعد تجاری و اقدامات مربوط به حمایت زیست محیطی می‌باشد. به طور نمونه می‌توان به فشارهایی اشاره نمود که از سوی سازمان جهانی تجارت بر دولت‌های عضو اعمال می‌گردد که تمایل به اتخاذ یک

رویکرد احتیاطی در قبال حمایت زیست محیطی دارند. تحقیق در مورد اینکه چگونه و تحت چه شرایطی، اصل احتیاط ممکن است با تفسیر و اجرای حقوق سازمان جهانی تجارت مرتبط می‌باشد، لزوماً با توجه به فقدان رویه قضایی کافی در این زمینه، محدود می‌باشد. با این وجود، آشکار است که راه‌های گریزی وجود دارد که بالقوه از طریق آن‌ها امکان اجرای اصل احتیاط میسر می‌باشد. ارجاع به رویه دولت‌ها و تفسیر انقلابی مفاد بند (ز) ماده ۲۰ و روح ماده ۲۰ اجازه می‌دهد که کاربرد استانداردها و نورم‌های خارجی بر حقوق سازمان جهانی تجارت اثر گذارد و حتی درموردی آن را راهنمایی کند. در رویه بین‌المللی، هنجارها و رویه‌های در حال توسعه، خارج از سازمان جهانی تجارت با توسل به بند (ج) پاراگراف ۳ ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات وین، قابل اجرا دانسته شده است.

در هر حال، ابهامات و مسائل بی‌پاسخ فراوانی باقی می‌ماند که منعکس کننده چالش‌های جدایی‌ناپذیر از اصل احتیاط می‌باشند. اصل احتیاط بیش از آنکه دارای آثار عملی باشد، دارای آثار بالقوه‌ای بر حقوق بین‌الملل اقتصادی خصوصاً بر حقوق سازمان جهانی تجارت می‌باشد و مکانیسم‌هایی که در حقوق سازمان جهانی تجارت به رسمیت شناخته می‌شوند، متعدد و پیچیده می‌باشند و هنوز به طور کامل تبیین نشده‌اند. با توجه به معضلات مربوط به تعیین یک موازنه مقتضی میان قواعد آزادسازی تجارت و سیاست‌های زیست محیطی اعضا، تبیین بسیاری از مسائل بر عهده هیأت‌های رسیدگی کننده و مرجع تجدیدنظر به طور کلی رویه قضایی بین‌المللی آتی گذاشته شده است. در حال حاضر، اهمیت جایگاه محاکم بین‌المللی در ایجاد زمینه جهت وقوع انقلاب در وقوع معاهدات در مواجهه با ملاحظات معاصر و برقراری موازنه میان ارزش‌ها و نورم‌های معارض در حال تثبیت شدن است. نتایج مطلوب احتمالاً بیشتر از طریق بررسی مسائل، بر مبنای کاملاً موردی حاصل خواهد شد، تا اینکه از طریق اجرای قواعد از پیش تعیین شده در مورد حل تعارضات موجود و در یک چارچوب کاملاً مشخص، حاصل شود.

در این میان، قابلیت اعراض سازمان جهانی تجارت از حقوق خود به عنوان ابزاری جهت برقراری مصالحه و سازش میان نورم‌ها و منافع معارض باید به عنوان یک موضوع حایز اهمیت مورد توجه قرار گیرد. این ادعا مطرح می‌شود که تعارضات موجود میان حقوق سازمان جهانی تجارت و دیگر نظام‌های قانونی بین‌المللی غالباً ناشی از تعارض میان منافع است و از این رو می‌بایست در فرآیندهای سیاسی مورد توجه قرار گیرند. در ارتباط با سازمان جهانی تجارت، این وضعیت، خود را با افزایش شمار تعارضات احتمالی میان حقوق سازمان جهانی تجارت و هنجارهای نظام حقوقی بین‌المللی دیگر بیش از پیش نشان می‌دهد. همچنین برخی ادعاهای موجود، مبنی بر اینکه حقوق سازمان جهانی تجارت از به رسمیت شناختن ارزش‌ها و منافع اعضای سازمان جهانی تجارت - که به لحاظ بین‌المللی نیز مورد قبول می‌باشند - خصوصاً در قبال کشورهای در حال توسعه عضو بر اهمیت موضوع می‌افزاید.

حقوق‌دانان بین‌المللی پیشنهادات متعددی را مطرح کرده‌اند در خصوص اینکه چگونه می‌توان یکپارچگی نظم حقوق بین‌المللی را به لحاظ نظری تضمین نمود و در عمل، چگونه تعارضات موجود می‌توانند از طریق تبادل اطلاعات، هماهنگی و همکاری سازمان یافته، کاهش پیدا کنند. به رغم اینکه این پیشنهادات، حایز اهمیت می‌باشند، اما در عمل نتوانستند به طور واضح، تعارضات بنیادین میان منافع را مورد توجه قرار دهند.

بنظر می‌رسد فرآیند اعراض از حق این قابلیت را دارد که به عنوان یک چارچوب برای دنبال کردن مباحث سیاسی قلمداد شود، چارچوبی که فقط ناظر بر منافع اقتصادی نمی‌باشد، بلکه منافع و چشم‌اندازهای عمومی دیگر را هم در برمی‌گیرد. تصمیم به اسقاط که منجر به چنین فرآیندی می‌شود، می‌تواند یک راه حل برای تعارض منافع هم از طریق اصلاح قواعد موجود حقوق سازمان جهانی تجارت و هم از طریق تحدید صلاحیت سازمان جهانی تجارت به نفع دیگر نظام‌های قانونی بین‌المللی فراهم نماید.

امروزه حقوق بین‌الملل عمومی فقط تحدید قلمرو حاکمیت دولت‌ها را هدف قرار نداده، بلکه در برقراری سازش میان منافع ملی معارض یا موازنه متقابل منافع میان موضوعات حقوق بین‌الملل نیز از اهمیت برخوردار است. حقوق بین‌الملل عمومی به طور فزاینده از حقوق فردی و منافع جمعی حمایت می‌کند و قانونمندی‌سازی زندگی اجتماعی را که تاکنون منحصرأ موضوع قوانین داخلی بوده، بر عهده گرفته است. اغلب این منافع در نظام‌های قانونی بین‌المللی جداگانه دنبال می‌شوند. همین امر، واقعیتی است که منجر به چند پارگی نظم قانونی بین‌المللی می‌شود در نتیجه، ارزش‌هایی که در یک نظام دنبال می‌شود و مورد حمایت قرار می‌گیرد، در نظام دیگر نادیده گرفته می‌شود و همین امر منجر به وضعیتی می‌شود که در آن امکان بروز تعارضات بالقوه بیشتر می‌شود. در ارتباط با حقوق بین‌الملل اقتصادی، این احتمال چند پارگی بیش از برخی دیگر از شاخه‌ها ممکن است، بروز کند. این واقعیت، پنهان است که تعارضات ناشی از چند پارگی، فقط از فقدان اطلاعات و همکاری به وجود نمی‌آید، بلکه غالباً حاکی از وجود تعارض میان ارزش‌ها و منافع می‌باشد. در نتیجه، اهمیت فرآیندهای سیاسی و قانون‌سازی سیاسی به منظور حل چنین تعارضاتی نادیده گرفته می‌شود. صلاحیت اعراض سازمان جهانی تجارت، به طور بالقوه، سازمان جهانی تجارت را برای بحث‌های سیاسی در مورد همکاری و مصالحه میان نرم‌ها و منافع معارض، مهیا می‌سازد. عبارت صلاحیت اعراض، به ویژه شرط وجود «اوضاع و احوال استثنایی» پیشنهاد می‌کند که صلاحیت اعراض به منظور قانونی کردن اقدامات مغایر اتخاذ شده توسط اعضا (به طور انفرادی) در راستای مواجهه با یک موقعیت فوق‌العاده‌ای است که تحت آن انطباق با حقوق سازمان تجارت به آسانی میسر نمی‌باشد. به علاوه، اعراض‌ها فقط به دولت‌ها به نحو انفرادی اعطا نمی‌شود. تصمیمات مبتنی بر اعراض جمعی نیز تصویب می‌گردد که تعهداتی را برای تمام یا گروهی از اعضا به حالت تعلیق درمی‌آورد. تأثیرات متقابل میان موافقت‌نامه ترپس و حق بشری نسبت به دسترسی به داروهای ضروری می‌تواند به عنوان مصداقی از تعارضات موجود میان نورم‌ها و

منافع در حقوق بین‌الملل باشد، هر دو نمونه مذکور، در سازمان جهانی تجارت از طریق تصمیمات ناظر بر اعراض مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در مورد رابطه میان نورم‌های سازمان جهانی تجارت و نورم‌های بعدی معاهدات حقوق بشری و حقوق محیط زیست، فقدان هر گونه مفاد صریح در مورد این ارتباط، سبب می‌شود که مورد اخیر بر نورم‌های معارض سازمان جهانی تجارت بر طبق قواعد مندرج در ماده ۳۰ کنوانسیون حقوق معاهدات وین، اولویت داشته باشد. این امر حتی در مواردی که تعارض میان کشورهای به وجود می‌آید که هر دو عضو سازمان جهانی تجارت نمی‌باشند، اما عضو معاهده بعدی می‌باشند، نیز مجری خواهد بود. این نتیجه از طریق مفهوم سازی نورم‌های سازمان جهانی تجارت که ساختار دو جانبه دارد و به اعضای سازمان جهانی تجارت اجازه می‌دهد که مبادرت به انعقاد قراردادهایی خارج از این نورم‌ها بنمایند، بدون اینکه نظم‌های به حقوق دولت‌های ثالث وارد شود. با این وجود، نه فقط تعهدات بعدی بلکه همچنین تعهدات پیش از حقوق سازمان جهانی تجارت نیز می‌توانند - بنا به نظر برخی از اندیشمندان - بر تعهدات سازمان جهانی تجارت در صورت بروز تعارض، برتری داشته باشد. معاهدات چند جانبه حقوق بشری یا زیست محیطی، معاهدات مستمر می‌باشند که در صورت بروز تعارض با تعهدات سازمان جهانی تجارت باید همواره مجری قلمداد شوند. به نظر، صحیح‌تر می‌باشد که رابطه میان حقوق سازمان جهانی تجارت و نرم‌های معارض در معاهدات چند جانبه مذکور، باید با ارجاع به اهداف و مقاصد طرف‌ها تعیین گردد. در جایی که قصد طرفین آشکار نمی‌باشد، قصد ضمنی باید از اصول کلی حقوق و منطق، احراز گردد. به عنوان نمونه، در مورد محدودیت‌های تجاری در موافقت‌نامه‌های چند جانبه زیست محیطی که مقدم بر سازمان جهانی تجارت می‌باشند، منطق حکم می‌کند که تعهدات مربوط به معاهده زیست محیطی بر ممنوعیت‌های معارض در خصوص محدودیت‌های تجاری در گات، غلبه پیدا کند. با این همه استدلال‌های مذکور و مشابه آنها سوالات زیادی مواجه است در خصوص اینکه آیا این نتیجه می‌تواند واقعاً به

عنوان اجرای منطق حقوقی، قابل توجه باشد. این ادعا که منطق می‌تواند مقاصد ضمنی کشورها را تبیین کند، مبتنی بر این پیش‌فرض است که کشورها قصد ایجاد انسجام و یکپارچه سازی را در روابط خارجی خود دارند. با این همه، این امر در عمل چندان مشهود نمی‌باشد. کشورها ممکن است اهداف معارضی را در سطوح مختلف دنبال نمایند. با این وجود، در مواقعی که تأیید می‌شود که تعارضات نورماتیو همیشه نمی‌تواند به شیوه‌ای حل شود که بیانگر مقاصد کشورها باشد، اما اجرای اصول قانونی در مورد حل تعارض و همچنین تفسیر، یک انتخاب میان منافع معارض و برقراری سازش میان نرم‌های معارض را به دنبال دارد که بیشتر از آنکه یک موضوع مربوط به منطق حقوقی باشد، یک موضوع مربوط به سیاست می‌باشد. در چارچوب سازمان جهانی تجارت، قدرت اعراض این قابلیت را دارد که امکان طرح مباحث سیاسی فراتر از اهداف تجاری را در سازمان جهانی تجارت فراهم می‌نماید و در نتیجه زمینه توجه به دیدگاه‌هایی از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی دیگر را آماده می‌کند. از آنجایی که قدرت اعراض یک شیوه قانون سازی را فراهم می‌نماید، این گفتمان سیاسی نباید در حد یک گفتار صرف بدون هیچ گونه اثر عملی بر حقوق سازمان جهانی تجارت باقی بماند، بلکه می‌تواند منجر به قانون سازی الزام‌آور شود. اسناد قانونی حاصل از آن، مزیت دیگری نیز دارند که آن‌ها نمی‌توانند فقط حقوق سازمان جهانی تجارت را تصویب کنند، بلکه آن‌ها می‌توانند اثر محدود کننده بر حقوق سازمان جهانی تجارت به نفع نظام‌های حقوقی بین‌المللی دیگر داشته باشد. شیوه اعراض - در مقایسه با شیوه اصلاح و شیوه تصویب تفسیر الزام‌آور - یک قابلیت خاص دارد که اجازه بحث‌ها و تبادل نظرات سیاسی را می‌دهد که در برگیرنده دیدگاه‌های کشورهای ضعیف تر و همچنین دیدگاه‌های مطرح شده در خارج از سازمان جهانی تجارت می‌باشد.

نکته قابل توجه این است که صلاحیت اعراض به طور واقع‌گرایانه و مبتکرانه در سراسر تاریخچه گات به کار گرفته شده است و سازمان جهانی تجارت قابلیت اعمال چنین رویه‌ای را دارد. این قابلیت مرتبط با شیوه اتخاذ تصمیمات ناظر

بر اعراض می‌باشد. استثنائات ناشی از اقداماتی که توسط یک نظام حقوقی بین‌المللی الزام می‌شود و منجر به عدم اجرای حقوق سازمان جهانی تجارت یا تعلیق نورم‌های سازمان جهانی تجارت در قبال اقدامات یا وضعیت‌های معین می‌گردد. به عنوان یک استثناء، یک اعراض می‌تواند سند مهمی در راستای تحدید صلاحیت سازمان جهانی تجارت به نفع نظام‌های حقوقی بین‌المللی دیگر باشد، که صلاحیت و مشروعیت بیشتری از سازمان جهانی تجارت برای مواجهه با برخی موضوعات معین دارند. به عنوان یک تعلیق موقت، یک اعراض می‌تواند یک ابزار مهم جهت تغییر هنجاری محسوب شود، و نهایتاً، ممکن است منجر به تغییر در استنباط از اهداف سازمان‌ها شود. حقی که هر عضو سازمان جهانی تجارت باید در خواست یک اعراض را بنماید، یک فرصت مهم برای کشورهای در حال توسعه فراهم می‌آورد که بتوانند ملاحظات مدنظر خود را در برنامه سازمان جهانی تجارت بگنجانند و به آن‌ها فرصت بحث و تبادل نظر را می‌دهد.

در چارچوب حقوق بین‌الملل اقتصادی باید سعی نمود که همه جوانب موضوعات را مدنظر قرار داد. یکی از تفاوت‌های حقوق بین‌الملل اقتصادی با برخی دیگر از شاخه‌های حقوق بین‌الملل، اهمیت نقش سایر بازیگران فراتر از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی می‌باشد. به طور نمونه در عرصه سرمایه‌گذاری بین‌المللی نمی‌توان اهمیت نقش بازیگران خصوصی را نادیده انگاشت. همانند هر نظام حقوقی، حقوق حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی با یک موازنه مواجه می‌باشد. از یک طرف، قواعد حقوقی آن، ابزاری برای ایجاد امنیت و ثبات حقوقی است و از سوی دیگر، قوانین تلاش می‌کنند که اوضاع و احوال ویژه و پیش‌بینی نشده را نیز به عنوان لازمه عدالت در موارد خاص در نظر بگیرند. اما سؤال مطرح این است که حقوق سرمایه‌گذاری، به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل اقتصادی در مقایسه با حقوق تجارت جهانی که در موافقتنامه سازمان جهانی تجارت و ضمایم آن مقرر شده است، تا چه میزان از انعطاف و

خشکی برخوردار است؟ چه نوعی از توازن میان امنیت حقوقی و انعطاف‌پذیری در متون معاهده‌ای و رویه مراجع حل اختلاف سرمایه‌گذاری مشاهده می‌شود؟ نظریه قراردادی در حقوق تجارت بین‌الملل اعمال شده است، اما حقوق سرمایه‌گذاری هنوز مطابق این متدولوژی مورد تحلیل قرار نگرفته است. تغییر شرایط یک شاخص غالب در حقوق سرمایه‌گذاری است. نظریه قرارداد، بیان می‌دارد که قراردادهای محدود و غیر منعطف ممکن است به افزایش تعداد اعضای طرفهای قرارداد لطمه وارد کند. بنابراین، موازنه میان الزام‌آور بودن از یک سو و انعطاف‌پذیری برای کارآمدن شدن قرارداد از سوی دیگر، مطرح گردیده است.

برخلاف اینکه تجارت بین‌المللی کالا و خدمات به طور اساسی توسط موافقتنامه سازمان جهانی تجارت و ضوابط آن اداره می‌شود، چارچوب حقوقی بین‌المللی معادلی برای اداره سرمایه‌گذاری بین‌المللی وجود ندارد، در حالی که بخش اصلی جریان سرمایه‌گذاری بین‌المللی را تشکیل می‌دهد. تلاش‌های مختلف برای تهیه پیش‌نویس یک معاهده بین‌المللی در سرمایه‌گذاری به شکست انجامیده است.

نظریه قرارداد، آموزه‌هایی در خصوص تنظیم مطلوب قرارداد در حقوق سرمایه‌گذاری ارائه نموده است.

کشورها، خصوصاً کشورهای در حال توسعه، انگیزه‌ای قوی برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارند و برای آن به رقابت می‌پردازند. معضل اساسی برای کشورها آن است که حمایت از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را اعتبار بیشتری بخشند. کشور میزبان بالقوه می‌تواند متعهد به رعایت حقوق مالکیت سرمایه‌گذار از قبل باشد، اما ممکن است در صورت فقدان ضمانت اجرا، به صورت فرصت‌طلبانه از ایفای تعهدات خود امتناع کند. شرکت‌های تجاری معمولاً نمی‌توانند یکباره به طور کامل نسبت به برداشت سرمایه یا کاهش آن اقدام کنند. راهکار این معضل، الزام دولت میزبان است و توافقات سرمایه‌گذاری بین‌المللی دقیقاً چنین کاری می‌کنند. بنابراین حمایت از سرمایه‌گذاری از

طریق کاهش خطر فرصت طلبیدولت‌های میزبان، ابزاری برای جذب منابع کمیاب قلمداد می‌شود. حقوق بین‌المللی سرمایه‌گذاری می‌تواند از نقطه نظر دولت‌ها بسیار سخت و غیر منعطف گردد که در بلند مدت به حمایت کمتر از سرمایه‌گذاران منجر شود. نقطه مطلوب میان الزام آور بودن و انعطاف‌پذیری هنوز باید پیدا شود. محدودیت مشارکت دولت‌ها و همزمان مجموع منفعت ایجاد الزامات مطمئن برای سرمایه‌گذاران مطرح می‌گردد. حمایت افراطی از طریق الزامات یا حمایت بسیار سخت و غیر منعطف در ضمن تفسیر ممکن است منجر به واکنش‌های دولتی شود که حمایت از سرمایه‌گذاری بین‌المللی را در بلند مدت تضعیف می‌کند، که البته نتیجه‌ای غیر قابل پیش‌بینی است. اتخاذ اقدامات توأم با حسن نیت توسط دولت میزبان در حوزه فرا قانونی، نه فقط امنیت بیشتری برای سرمایه‌گذاران تأمین می‌کند بلکه اطمینان بخشی را نیز به نظام برمی‌گرداند. انعطاف‌پذیری فقط از طریق انجام مجدد مذاکرات حاصل نمی‌گردد، با توجه به نمونه‌های ایالات متحده آمریکا، کانادا و نروژ، بلکه تفسیر معقول و کاربردی نیز نقش تعیین‌کننده دارد.

اصلاح ساختاری سازمان جهانی تجارت برای مهیا کردن آن در مواجهه با چالش‌های آینده ضروری است. سازمان جهانی تجارت به عنوان یک مؤسسه با چالش‌های متعددی مواجه‌است. افزایش موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای، خصوصاً در پاسخ به بن‌بست مذاکرات چند جانبه نیز خود، بر تغییر مسیر منافع ارزشمند دولتی و تمرکز از سازمان جهانی تجارت بر مذاکرات منطقه‌ای دلالت می‌کند. معضل اصلی که وجود دارد آن است که در حالی که حمایت عمومی از آزاد سازی تجارت در کشورهای توسعه یافته به نحو قابل ملاحظه‌ای رو به کاهش است، جهان در حال توسعه در مورد منافع موافقت‌نامه‌های تجاری برای اقتصاد ملی خود تا حدی متقاعد شده است. اندیشمندان مبادرت به تبیین ایده‌ها و پیشنهادهایی برای اصلاح سازمان جهانی تجارت به عنوان یک نهاد نموده‌اند. کارآیی یک سازمان و دستاوردهای آن، تا حد زیادی به ترتیبات داخل سازمان بستگی دارد. اولین سؤالی که باید به آن پاسخ دهیم، این است که آیا

ضرورتی برای اصلاح ساختاری در سازمان جهانی تجارت وجود دارد یا خیر؟ پاسخ به این سؤال منوط است به اینکه در مورد مأموریت سازمان جهانی تجارت چگونه بیاندیشیم. کارشناسان متعددی، مأموریت اصلی این سازمان را آزادسازی تجارت می‌دانند. برای این گروه، عجیب نیست، که سازمان جهانی تجارت به عنوان یک سازمان ناشی از عضویت دولت‌ها به نحو مؤثری فعالیت کند. در این رویکرد، اصلاح ساختاری اساسی ضرورت ندارد و صرفاً قوانین جدید تجاری مورد بحث در تجارت و بازرگانی باید تصویب گردد. اغلب اعضای سازمان جهانی تجارت واجد چنین رویکردی هستند. اما گروه دیگری از کارشناسان هستند که معتقدند سازمان جهانی تجارت باید مأموریت وسیع‌تری در آینده به عنوان یک سازمان مسئول برای تنظیم و نظارت اقتصادی بین‌المللی در اقتصاد جهانی ایفا کند. مطابق این رویکرد، برای اینکه سازمان جهانی تجارت بتواند در جهان آینده مؤثر و مهم بماند، نیازمند اصلاح ساختاری عمده است تا مکانیزم قانونگذاری و تصمیم‌گیری آن تقویت شود.

ریشه رویکردهای مختلف نسبت به سازمان جهانی تجارت، تفاوت دیدگاه‌ها در اهداف و مأموریت اصلی این سازمان است. برای کسانی که معتقدند، مأموریت سازمان جهانی تجارت، آزادسازی تجارت در پرتو مبادله متقابل توافقات و سازش است، اصلاح سازمان ضرورت ندارد. درحالی که از دیدگاه گروهی که معتقدند مأموریت سازمان جهانی تجارت باید به نظارت و تنظیم اقتصادی بین‌المللی گسترش یابد، اصلاح ساختاریک اولویت فوری است.

سازمان جهانی تجارت نیازمند یک عمل جراحی مهم است تا به نحو مؤثری به واقعیت‌های سیاسی نظام اقتصادی بین‌المللی پاسخگو باشد. اعضا باید بپذیرند که مأموریت سازمان جهانی تجارت صرفاً آزاد سازی تجارت نیست؛ و شامل توسعه و دیگر عناوینی نیز می‌شود که به طور کلی با نظام‌مند شدن اقتصادی بین‌المللی مرتبط هستند. اصلاح ساختاری سازمان جهانی تجارت لازم است تا ساختار و شیوه تصمیم‌گیری آن، این سازمان را تبدیل به یک سازمان بین‌المللی زنده، حساس و پاسخگو کند که با دولت‌ها، شرکت‌ها و مردم در قرن

بیست و یکم مرتبط می‌باشد در صورتی که تغییر قواعد تصمیم‌گیری یا تصویب قوانین بسیار دشوار یا حتی غیر ممکن است، توجه به روندهای غیر رسمی در سازمان جهانی تجارت برای اینکه موثرتر و عام‌الشمول‌تر گردند، غنیمت می‌باشد.

سؤال مطرح آن است که چه اصلاحاتی باید انجام گیرد تا سازمان جهانی تجارت قوی‌تر، مؤثرتر و کارآمدتر و نسبت به اعضای خود و جهان در سطح وسیع، پاسخگوتر باشد؟ مفهوم «حکمرانی مطلوب» باید در تحقیق برای اصلاح سازمان جهانی تجارت به عنوان یک اصل راهنما مطرح باشد. برداشت متداولی که از حکمرانی مطلوب در بخشهای عمومی و خصوصی، در مطالعات باشگاهی سازمانهای بین‌المللی و برداشت جدیدی که از حکمرانی صندوق بین‌المللی پول توسط اداره مستقل ارزیابی ارائه شده است، با توجه به ۴ جنبه حکمرانی مطلوب یعنی: مؤثر بودن، بازدهی، پاسخگوئی و نمایندگی باید مورد توجه قرار گیرد.

اثر حاضر در شش فصل تنظیم گردیده است. در فصل نخست، مقاله ای در ارتباط با تعریف حقوق بین‌الملل اقتصادی و در فصل دوم، مقاله ای پیرامون حمایت متقابل به عنوان یک اصل تفسیر و یک اصل قانون ساز در حقوق بین‌الملل اقتصادی به عنوان نقطه عطفی برای موضوع سازمان جهانی تجارت و نظام‌های معارض آورده شده است. فصل سوم، اختصاص به مقاله ایافته است که مرتبط با الزام آور بودن و یا انعطاف‌پذیر بودن حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری از منظر تئوری قرارداد می‌باشد. در فصل چهارم به راهکارهای اصل احتیاط در حقوق بین‌الملل اقتصادی پرداخته شده است. مقاله‌ها ارائه شده در فصل پنجم، به قدرت اعراض سازمان جهانی تجارت به عنوان استقبال حقوق بین‌الملل اقتصادی از بحث‌های سیاسی در مورد برقراری سازش میان منافع معارض نگریسته است و در فصل ششم نیز سعی شده است آینده سازمان جهانی تجارت به عنوان مهم‌ترین رکن حاضر در عرصه حقوق بین‌الملل اقتصادی از منظر اندیشمندان، مورد تحلیل قرار گیرد. در فصلهای هفتم و هشتم نیز اصل

توسعه پایدار به عنوان نقطه تلاقی اهداف تجارت بین‌الملل و حقوق محیط زیست، و محدودیت‌های حق بر محیط زیست سالم بر تجارت بین‌الملل مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته‌اند. شش فصل اول کتاب ترجمه مقالاتی است که صاحب‌نظران مختلف بین‌المللی پیرامون حقوق بین‌الملل اقتصادی و سازمان جهانی تجارت نگاشته‌اند، اما دو فصل آخر مقالاتی تحقیقی است که شخصاً آن را انجام داده‌ایم.

لازم می‌دانیم که محضر استاد محترم جناب آقای دکتر سیدقاسم زمانی که زحمت نگارش دیباچه را تقبل فرمودند و همواره از راهنمایی‌های ارزشمند و بی‌دریغ خویش ما را بهره‌مند نموده‌اند، مراتب سپاس و قدردانی خویش را تقدیم نمایم.

همچنین از مدیریت محترم موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش و همکاران گرامی ایشان به جهت انتشار این اثر سپاسگزاری می‌گردد.

هاله حسینی اکبرنژاد

حوریه حسینی اکبرنژاد